

نگاه شرق‌شناسان روس بر ایده‌های تربیتی مفاخر علم و ادب ایران^۱

افشین رستمی*

کارشناس ارشد آموزش زبان آلمانی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران، ایران

حسین غلامی**

دانشیار دانشکده زبان‌های خارجی دانشگاه تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۸۷/۱۰/۲۸، تاریخ تصویب: ۸۷/۱۲/۱۸)

چکیده

ایده‌های تربیتی همواره در زمره مهم‌ترین موضوعات برای جامعه بشری بوده‌اند. در بین مفاخر علم و ادب ایران، نخبگانی بودند که به فرایند و اهداف اندیشه‌های تربیتی به صورت جامع نگریده‌اند، بنابراین ضرورت دارد دیدگاه آنان مورد توجه ادیبان و صاحب نظران نظام‌های آموزشی و تربیتی قرار گیرد از جمله این بزرگان که اندیشه‌های آنان بررسی می‌گردد، فارابی، ابن‌سینا، ابن‌مسکویه و سعدی‌اند. هدف از این پژوهش، رسالت پرداختن به موضوع اخلاق، تربیت و آموزش در آثار مفاخر علم و ادب ایران است که با تکیه بر جستار ادیبان روس استدلال شده است. در این مقاله، ابتدا از تجزیه و تحلیل ایده‌های تربیتی مفاخر علم و ادب ایران، با استناد بر آراء ادیبان و شرق‌شناسان روس که منجر به بهبود روش‌ها، محتوا و فرم آموزشی کنونی شده است توضیحاتی داده خواهد شد و سپس به بررسی عقاید تربیتی استاد سخن سعدی می‌پردازیم. در این پژوهش با تأکید بر نقش عقاید تربیتی ادیبان ایرانی و بکارگیری تحقیقی جامع از نظرات شرق‌شناسان و ادیبان روس به تحلیل ریشه و عناصر فرهنگی و تربیتی تأثیرگذار بر ادبیات توجه می‌گردد. نتیجه آن است که این امر در شناسایی اقتدار فرهنگ و ادبیات غنی ایران در جوامع دیگر سهم بسزایی دارد.

واژه‌های کلیدی: تجزیه و تحلیل، ایده‌های تربیتی، سعدی، عقاید، ادیبان.

۱- این مقاله برگرفته از پایان‌نامه دکتری با عنوان "СТАНОВЛЕНИЕ И РАЗВИТИЕ СИСТЕМЫ НАРОДНОГО ОБРАЗОВАНИЯ В ИРАНЕ" است.

*تلفن: ۰۲۱-۲۲۵۳۵۳۰۰، دورنگار: ۰۲۱-۸۸۶۳۴۵۰۰، E-mail: rostami428@yahoo.com

**تلفن: ۰۲۱-۶۱۱۱۹۱۳۲، دورنگار: ۰۲۱-۸۸۶۳۴۵۰۰، E-mail: hgholamy@ut.ac.ir

مقدمه

بی‌تردید یکی از ارکان اساسی تکوین، توسعه و انتقال عناصر فرهنگی جامعه، نظام ایده‌های تربیتی آن است، در عصری که علم اخلاق و تربیت، نقش عمده‌ای در موفقیت‌های روز افزون جوامع دارد، بررسی و پژوهش در آثار ادیبان و اندیشمندان و تأثیرگذاری آن در ادبیات تطبیقی بین دو فرهنگ و جامعه، حایز اهمیت بسیار است.

در باره تاریخ ایده‌های تربیتی در شرق می‌توان به آثار و مقالات ادیبان و شرق‌شناسانی چون (پدرسن Pedersen، ۱۹۲۹)، (داج Dodge، ۱۹۶۱)، (مؤیدخان Muidkhan، ۱۹۴۴) و (شالابی Shalaby، ۱۹۵۴) اشاره کرد. همانطور که مدینسکی (Медынский) تاریخ‌شناس و استاد علوم تربیتی می‌نویسد: «فرهنگ و فلسفه آموزش و پرورش شرق تا قرن چهاردهم میلادی برتر از کشورهای اروپایی بوده است و یکی از منابع اصلی تغذیه فرهنگ اروپای غربی به شمار می‌آید» (مدینسکی ۲۳).

ابتکار عمل و ایجاد پویایی علمی و انگیزه تفکر واگرا و کسب تجربه از تجزیه و تحلیل ایده‌های اندیشمندان و ادبای ایرانی با استناد بر عقاید ادیبان و شرق‌شناسان روس، نویسندگان و فیلسوفان این دوره را بر آن می‌دارد که از مرزهای محدود و فرهنگ غربی و مسیحی فراتر روند و به این باور برسند که ملت‌های بسیاری قبل از آنان، دارای تمدنی درخشان و فرهنگی غنی بوده‌اند.

این پژوهش بر اساس دانش علمی، شناخت قوانین حاکم بر فلسفه تربیتی ایران کهن، اسناد و مدارک تاریخی و آثار اندیشمندان و ادیبان ایرانی، همانند ابن‌سینا، فارابی، ابن‌مسکویه، سعدی و دیگران صورت گرفته است و با تکیه بر دانش فلسفی به توانمندی تمدن‌ها و فرهنگ‌های ایرانیان می‌پردازد و تأثیر علم روح و ماهیت این دوره فرهنگی را معین می‌کند. فلسفه تربیتی در مرحله اولیه نیاز به بحث کافی و تطبیقی در پایه‌های نظری براساس ایده‌های اندیشمندان خود دارد که منجر به مبنای شناختی و ارزش شناختی تربیتی در جامعه بزرگ ایرانی شده بود. آنچه که در پی می‌آید، نگاهی به نقش ادبیات تربیتی اندیشمندان و مفاخر علم و ادب ایران دارد تا چارچوبی بر اندیشیدن ادیبان و شرق‌شناسان روس در محیط آموزشی باشد.

بحث و بررسی

خاورشناسان و ادیبان روس به آسیا به عنوان مهد تمدن کهن می‌نگریستند و شیفته

عظمت و جلوه سحرآمیز این تمدن باستانی بودند. آنان یکی از مظاهر این عظمت و مظهر کامل آن را اندیشمندان و مفاخر علم و ادب ایران می‌دانستند که از شیوه‌های هنری، ایده‌ها و ادبیات غنی این افراد لذت می‌بردند و تأثیر می‌گرفتند.

فلسفه تربیتی تکیه بر نظام‌های فلسفی اندیشمندان و مفاخر علم و ادب ایران دارد و به عقیده اسکندروف (Искандеров) «فرض بر هماهنگی میان فلسفه و دین است و بر همین اساس فلسفه دینی مبنا قرار گرفته می‌شود و در باره مسائل تربیتی، به اندیشه‌ورزی و چاره‌اندیشی می‌گراید» (اسکندروف ۵۵).

هدف غایی از دیدگاه این اندیشمندان، الهی شدن انسان است و در اصطلاح اسلامی، تعبیر روش و نوع زندگی فرد است که در همه ابعاد، شامل جسم، اندیشه در اعتقاد، میل و اراده، عمل فردی و جمعی است. انسان در تمام امور دنیوی خود را در ارتباط با خدا می‌بیند و سعی دارد از گناه و پلیدی دوری کند و این همان ربوبی شدن آدمی است و در واقع تعلیم در کنار تربیت قرار نمی‌گیرد؛ بلکه در زیر مجموعه آن جای دارد. از جمله اهداف دیگر فلسفه تربیتی را می‌توان پاکی، کسب دانش، فهم آموزه‌های دینی و افزایش قابلیت انتخاب، مهارت اندیشه‌ورزی، کسب بینش در پدیده‌های طبیعی و انسانی و زندگی اجتماعی مؤثر نام برد. از ارزش‌های تربیتی تغییر ظاهر و تحول در باطن است. امور مطالعاتی در معرفت‌شناختی و اعتبار ارزشی واقعیت‌ها در زمینه ارزش شناختی آن در تحقیق ادبیات تربیتی بررسی می‌گردد.

ایده‌های تربیتی مفاخر علم و ادب ایران

آشنایی با آثار و پژوهش در ایده‌های تربیتی اندیشمندان و ادیبان ایران، این مسئله را خاطر نشان می‌سازد که ایده‌های اصلی فلسفی فارابی، ابن سینا، ابن مسکویه و دیگر دانشمندان از اعتبار ویژه‌ای برخوردار بوده است.

معروفیت ایده‌های فیلسوفان اندیشمندان ایران کهن، مبین این حقیقت است که احتمال دارد این معروفیت توأم با احساس باشد، اما این فهم و شناخت تنها از احساس سرچشمه نمی‌گیرد، بلکه تبلور وحدت در احساس است. به همین دلیل است که این فلاسفه تصور می‌کنند، احساس و شناخت هدفدار به شکل درجه‌ای از شناخت حسی است. با این همه، بالاترین درجه شناخت اندیشمندان تفکری است که آن را روشنفکری می‌نامند (گریگریان ۳۳).

در دوران خلفای عباسی، تمدن و عادات و رسوم تشکیلات اداری و اجتماعی ایرانیان در تمدن اسلامی رسوخ کرد و مقامات عالی به ایرانیان انحصار یافت و نهضت بزرگ علمی و اجتماعی ایجاد شد که به تشکیل تمدن عظیم اسلامی منجر گردید. در این عصر بخش عظیمی از دانشمندان علم کلام، مورخان، عالمان صرف و نحو و شاعران که به عربی می‌نوشتند، منشاء ایرانی داشتند. در این دوران در علم، افراد بزرگ و نامبردار چو محمدبن زکریا، ابونصر فارابی، ابوعلی سینا، ابونصر عراق، ابوریحان بیرونی و ابن مسکویه و نظایر ایشان در ادب فارسی افرادی از قبیل رودکی، دقیقی و فردوسی و امثال آنان پا به عرصه وجود نهادند (یاسمی ۱۲۸).

یکی از اصولی که ادیبان ایرانی آن را در فعالیت‌های شناختی انسان مهم می‌دانند، اصل دستیابی به آموزش است.

کاسیمجانوا (Касымджанова) به عقیده فارابی در این باره اشاره دارد. فارابی، استاد فلسفه اسلامی که بعد از ارسطو ملقب به معلم ثانی بود، در بررسی تعلیمات عقلانی در ارتباط با آداب و رفتار، این عقیده را بیان می‌دارد که استمرار و دستیابی به آموزش بهترین نتیجه در نوع تعلیم و تربیت انسان است. او می‌نویسد: «گاهی اوقات متقاضیان علم ثوری، سبب و اساس پیدایش متقاضیان علم عملی می‌گردند» (کاسیمجانوا ۱۸۵). به عقیده این متفکر «همه این مسائل تنها به واسطه قضاوت و عبور از یک مرحله به مرحله دیگر و از یک سطح به سطح دیگر پدید آمده است» (همان ۱۸۵).

بنابراین، با تکیه به تفکر این اندیشمند، اصل و دستیابی به آموزش چنین منطقی را پیشنهاد می‌کند: از مسائل ساده به مسائل سخت و از مسئله مشهود به مسئله نامشهود می‌رسیم (همان ۱۸۶).

اصول سیستماتیک و تحقیقات نیز اهمیت ویژه‌ای در کارها و آثار تربیتی اندیشمندان و ادیبان ایرانی داشته است. «این مسئله برای فارابی بسیار مهم بوده و به آن اشاره می‌کند که دروس سخت مختلف به بی‌نظمی و اختلال در نظام یادگیری منتهی می‌گردد» (همان ۱۸۸). همانطور که تحقیقات نشان می‌دهد برای آثار فیلسوفانه، سیاسی، دینی، اجتماعی و اخلاقی اندیشمندان و ادیبان ایرانی ویژگی‌های از این قبیل مشهود است: مسائل تربیتی و آموزشی اهمیت بسیار داشتند و موارد و موضوعات تربیتی در یک بخش کاملی از آثار به خواننده تقدیم می‌گردد. به مرور زمان، در ارتباط با پیشرفت آموزش و پرورش مدرسه‌ای آثاری به وجود آمد که به این مسئله تخصیص یافت.

گاریباتا (Гарията) درباره ابن سینا اینگونه می‌نویسد: «برای مثال در یکی از آثار ابوعلی سینا به نام «تدبیر منزل» بخش خاصی وجود دارد به نام «آموزش و تعلیم و تربیت بچه‌ها در مدرسه» در این بخش ابن‌سینا، به یکی از اولین مسائل در زمینه تربیت روانی در دوره کودکی اشاره می‌کند و آن پیشرفت همه جانبه شخصیت کودک در مدرسه است، یعنی اصل برتر بودن در مدرسه، بستگی به دانش‌آموزی دارد که با شادی و حرارت و اشتیاقی خاص به تعلیم و تعلم بپردازد و سعی کند که در اخلاق و رفتار پسندیده از دیگران عقب نماند» (گاریباتا ۳۷).

ابن مسکویه در زمینه علم اخلاق و تعلیم و تربیت، به این مسئله اشاره دارد که آموزش و مهارت علم اخلاق از کودکی آغاز می‌شود و آن هنگامی است که باید به کودک آداب و اصول و رعایت صرف طعام را آموخت و به او آموزش داد که تناول غذا تنها با هدف لذت بردن نیست، بلکه برای استحکام قوه فیزیکی و سلامتی جسمی وی در زندگی روزمره است و باید به او توصیه کرد که غذا را آهسته و خوب بجود و در این میان دست و لباس خود را تمیز نگه دارد. نیز باید به کودک توصیه شود که در بستر نرم نخوابد و خواب صبحگاهی نداشته باشد که این عمل باعث عادت تنبلی می‌شود و نرمش صبحگاهی را فراموش نکند و به هنگام پیاده روی در خیابان با دست به دیگران اشاره نکند و از انداختن آب دهان در اماکن عمومی خودداری کند، در حضور جمع پا روی پا نیندازد و پشت به آنان نکند (شیدفر ۱۴).

بدین ترتیب دانش‌آموخته شده و تجربه به دست آمده از فعالیت‌های تجربی شخصی در جریان آموزشی به تدریج سیستم‌بندی شده و در آثار اندیشمندان ایرانی منعکس گردید که در آن به مسائل تربیتی، آموزشی و خودآموزی به نسل جوان در سنین مختلف می‌پرداخت.

ادیبان و خاورشناسان روس معتقدند: روش گفتاری و سخنرانی در تعلیم و تربیت به ویژه در دوره ابتدایی آموزش کارایی داشت. در آثار ابن مسکویه، ابن‌سینا، فارابی و غزالی اثبات می‌شود که برای آموزش دوره عالی، روش‌ها طبقه‌بندی شده بود. این طبقه‌بندی بنا به منابع برای اطلاع دادن و دریافت دانش و از طرفی بر حسب منطقی کردن اطلاعات شکل می‌گرفت.

فارابی در اثر اخلاقی خود به نام «تحصیل سعادت» می‌نویسد: «آموزش و تعلیم و تعلم با روش کلام و سخنرانی اجرا می‌گردد و معهدا به تجهیز مربیان به روش‌های آموزش متفاوت معتقد بود و ویژگی‌های روش‌های تربیتی را متذکر می‌گردید» (فارابی ۹۶).

برای ادیبان ایران کهن منطبق بر اساس عقل و یا بر مبنای پرهیز از اشتباه شکل می‌گرفت.

فارابی در این باره می‌گوید: «منطق در ارتباط با عقل است، همانگونه که علم نحو در ارتباط با زبان است» (راحیموف، ۱۹۷۷، ۵۳).

ابن سینا می‌گوید: «قدرت تفکر آدمی از قدرت احساس سرچشمه می‌گیرد و در این ضمن به وسیله روش قیاسی به طور همه جانبه موارد نادر را مشخص می‌کند» (برگینسکوا، ۹۷).

بوعلی سینا توسط قدرت تصور، به اهدافش در ارتباط با موارد فکری دست می‌یافت. در درجه اول فارابی به تأثیر قدرت عقلانی که بر مسائل نظری و عملی تقسیم می‌شود، به فعالیت‌های تجربی تکیه می‌کند. در آموزش منطقی فارابی، دیالکتیک تجزیه و تحلیل و سنتز آشکارا نمایان می‌گردد. بنا به عقیده وی، قضاوت و تفکر در جریان شناخت «از موارد مشهود به نامشهود» به دست می‌آید و به دو روش ۱- سنتز ۲- تجزیه و تحلیل تقسیم می‌شود.

شایان توجه است که فارابی و ادیبان دیگر، سنتز و تجزیه و تحلیل را در وحدت و یکپارچگی کلی بررسی می‌کردند و انعکاس افکار آنان قانونمندی آداب و رسوم را به وجود آورد. دیالکتیک این متدها، در دیالکتیک روش قیاسی، روش کلی به جزئی می‌گذرد و نیز این روش‌ها به وسیله دانشمندان در ارتباط با هم بررسی می‌شوند (راحیموف، ۱۹۶۴، ۳۰).

در این زمینه، ابن سینا در آثارش مانند کتاب «دانشنامه»، «شفا» و «قانون» چنین می‌نویسد: «درس فقه را نزد استاد اسماعیل زاهدی خواندم، وی در روش مباحثه استاد ماهری بود و از طریق روش قیاسی و تکذیب و طرح سؤال، فقه تدریس می‌کرد» (سالی، بلیسکوا و زادوسکوا، ۱۲۷).

سبک تفسیر، شرح روش اندیشمندان در دریافت دانش علمی را یادآور می‌شود. صرف نظر از شناخت وحدت تربیتی، مشخصات هر یک از این جریان‌ها به وسیله ادیبان و اندیشمندان ایران در نظر گرفته می‌شود. همانطور که کاسیمجانوا به نظر معلم ثانی می‌پردازد: «برای مثال، فارابی عقیده دارد که آداب و معاشرت که او آن را «علم لیاقت و آداب» نام گذاشته است، عادت جسمانی است که از هنر تجربه در مشاهده عادات مردم کسب شده است» (کاسیمجانوا، ۱۸۹).

بنا به عقیده وی، این علم به دو روش میسر می‌گردد:

۱- روش سخنرانی، اقناع کننده و تأثیرگذار بر پایه احساس و سخنان استواری که بر روح و جسم انسان مؤثر واقع شود و مردم را تشویق و ترغیب به کامل شدن رفتارشان کند. در ارتباط با رضایت نفس از خود و استوار کردن این علم در روح انسان، نقش استعداد در به

کارگیری علم بلاغت بسیار مهم است.

۲- روش الزام، در به کارگیری این روش با افرادی که علاقه‌ای به درس نشان نمی‌دهند و به طور داوطلبانه به یادگیری تشویق نشده‌اند، روبرو می‌شویم. این روش برای افرادی توصیه می‌شود که از ابتدا با یادگیری دانش نظری مخالفند (همان ۱۹۱).

بنابر آنچه که از تحقیق برمی‌آید، آرای اساسی تربیتی و آموزش اندیشمندان و ادیبان ایرانی، ویژگی و هویت دینی داشته است. این آرا که در تمام دنیا به رسمیت شناخته شده‌اند، بر اساس دریافت حسی، حقیقت و اصول عینی طرح‌ریزی شده‌اند و با توجه به نیاز اجتماعی مشخص ظهور می‌کنند.

تحت تأثیر جریان اجتماعی و پیشرفت علم برای آشکار ساختن قانونمندی‌های جدید و تجربه عملی تدریس توسط ادیبان و اندیشمندان ایران، نه تنها اصول اساسی تربیتی، بلکه روش‌های تربیتی بررسی و عینیت پیدا کرد. اصول اصلی که ابن مسکویه، ابن سینا و فارابی بیان می‌کردند در جریان فعالیت‌های شناختی، اصول عینیت، نظم‌گیری، استمرار و دستیابی آموزش پدید آمدند.

شایان ذکر است ادیبان و اندیشمندان ایرانی این قرون، نه تنها اصول آموزشی، بلکه روش‌هایی را که قابل استفاده در جریان فعالیت‌های شناختی علمی بودند، مشخص می‌کردند. بدین ترتیب در پی شناخت فلسفه ایده‌های تربیتی ادیبان ایرانی، به جهت دانش‌افزایی، روش قیاسی، روش کلی به جزء، تجزیه و تحلیل و سنتز و همچنین روش‌های برجسته فعالیت‌های شناختی علمی پدید آمد که بی‌تأثیر بر سبک و عقاید ادیبان و خاورشناسان روس نبود.

از آنجایی که آراء تربیتی سعدی بازتاب جهانی وسیعی داشته است و در گسترده ادبیات تطبیقی، آثارش بیش از سایر ادبای ایرانی مورد بررسی قرار گرفته است، و نیز به دلیل اهمیت موضوع تأثیرپذیری آثار وی در اندیشه ادیبان روس در بخشی جداگانه به ایده‌های تربیتی «سعدی» می‌پردازیم.

عقاید تربیتی سعدی

خاورشناسان و ادیبان روس از طریق مطالعه سفرنامه‌ها و به ویژه آثاری که درباره شرق، ایران و اسلام نوشته شده و توجه نویسندگان و فیلسوفان عصر روشنگری به فرهنگ و تمدن ایرانی، با ایران آشنایی پیدا کردند.

اشاعه این فرهنگ در آثار ادیبان اروپایی و روسی مانند تولستوی، پوشکین، فت و نیز ولتر فرانسوی که از استاد سخن ادب پارسی، سعدی متأثر شده‌اند، با استفاده از فنون فصاحت و موقع‌شناسی سعدی، تلفیق نظم و نثر، حقیقت و تخیل، ترویج اندیشه‌های بشردوستانه، مهربانی، نقد جهان واقعی و دینی کاملاً مشهود است.

برگردان قطعات منتخب کتاب «گلستان» سعدی به زبان روسی این امکان را برای مردم روسیه پدید آورد که با یکی از شاهکارهای ادبیات فارسی آشنا شوند که سرشار از مفاهیم عالی‌انسانی است.

سعدی برای تهذیب اخلاق معاصران خود، سبکی از سخنوری، تخیل و واقعیت را در «گلستان» در هم می‌آمیزد و بر اساس ذهنیت مردم زمانه خویش استدلال می‌کند. وی در این اثر جاودانه، با ترکیب نثر موزون و به کمک شعر، از توانایی‌های این دو نوع سبک ادبی سود می‌جوید و با دلیل و برهان به اثبات موضوع مورد نظر خویش می‌پردازد، در «گلستان سعدی» دنیایی است «پر از تناقض و تضاد و سرشار از شگفتی و زیبایی» (سعدی، ۱۳۶۸، ۳۷).

افکار و اندیشه تربیتی سعدی به صفات نیکویی چون زیبایی، جوانمردی، دلیری، پاکی و فروتنی و از این قبیل صفات پسندیده می‌آراید و بر علیه ظلم و بی‌عدالتی طغیان می‌کند و از رفتار انسانی بین مردم، مهربانی و عطف و دستگیری از نیازمندان سخن می‌گوید. وی عقیده دارد: «مردم اعضای یک پیکرند و در آفرینش از یک گوهرند و اگر اعضای این پیکر سالم باشند، در حقیقت صاحب جامعه‌ای سالم خواهیم بود» (سعدی، ۱۹۲۷، ۳۱).

عظوفت و فتوت اساس کیفی هویت انسانی را نشان می‌دهند، بنابراین سعدی در سایه فکری بلند و نظری ژرف‌بینانه و ذوق سلیم خود توانسته است بسیاری از موضوعات مهم اخلاقی و اجتماعی را با تصاویر بدیع و جذاب در گلستان و بوستان نمایان سازد. وی بر این باور بود «که نقش اساسی در تربیت فرد را سه عنصر خانواده، مدرسه و تجارب اکتسابی در جامعه تشکیل می‌دهند» (خولماگاروف ۶۰).

سعدی کسب معرفت اخلاق را از سه طریق دانش‌افزایی، رعایت آداب و اخلاق و کسب تجربه عینی می‌داند و برای رسیدن به قله دانایی در کتاب گلستان خود اشاره به پژوهش علمی و پرسش و یافتن پاسخ‌های مهم زندگی دارد. او رسیدن به این هدف را نه تنها از راه کسب دانش، بلکه به وسیله علم مباحثه پیشنهاد می‌کند و یکی از بهترین روش‌های یادگیری در مدارس را روش مباحثه می‌داند (همان ۶۱).

سعدی در آثارش دانش‌افزایی را یکی از ابزار لازم برای شکوفایی اخلاقی شخص تلقی

می‌کرد و از ایده‌های تربیتی وی پرورش حس تکریم و ادب به دیگران بود. سعدی اعتقاد داشت: «برای امرار معاش در زندگی دنیایی، هر فرد باید هنر و پیشه‌ای را بیاموزد تا به وسیله آن هنر بتواند به شکوفایی استعداد و کسب درآمد پردازد» (نیکیتینا ۱۶۲).

از نظر سعدی یکی از مهمترین ویژگی‌های آدمی «فروتنی» است. فروتنی در معنای واقعی کلام دارای معانی بسیاری است. اما به طور کلی می‌توان آن را همان وقار، متانت، افتادگی انسان در برابر مردم دانست، حالتی از تواضع در برخورد با دیگران و صبوری و عطف در برابر ناملازمات زندگی و پذیرش نصایح از دوستان و آشنایان.

سعدی «دوست» را یکی از عوامل مهمی می‌داند که در شکل‌گیری شخصیت افراد نقش بسزایی دارد. تأثیرگذاری دوست بر عمق جان و روح آدمی غیر قابل انکار است. این مضمون را می‌توان به خوبی در این اثر وی ملاحظه کرد:

گلی خوشبوی در حمام روزی	رسید از دست مخدومی به دستم
بدو گفتم که مشک‌ی یا عبیری	که از بوی دلاویز تو مستم
بگفتا من گلی ناچیز بودم	ولیکن مدتی با گل نشستم
کمال همنشین در من اثر کرد	وگر نه من همان خاکم که هستم ^۱

(خولماگاروف ۶۲).

یکی دیگر از مشخصه‌هایی که سعدی از آن سخن به میان می‌آورد، «حس عدالت‌جویی» است و این حس را در ارتباط مستقیم با روح عشق و احترام و اعتماد به دیگران می‌داند و جلب اعتماد مردم را تنها از راه احقاق حس عدالت‌جویی در خود بر می‌شمارد (ریپکا ۱۴۰).

سعدی استاد سخنوری است و ساخت هنرمندانه کلام وی تجربه‌های عالی حیات او را برای خواننده زنده می‌کند، بنابراین اندیشه‌های مشترک انسانی در افق زبانی‌اش، شکل و شمای خاصی می‌یابد و زمانی که تراوشات دینی ذهنش بر زبان جاری می‌شود، درآمیخته با جان کلامش است و نه چون فرایندی که بر آن تحمیل شده باشد.

1- Ароматную глину однажды в бане. Получил я из рук прислужника. «Ты мускус или амбра? — сказал я ей, —

Я опьянен твоим восхитительным запахом!» -

«Нет,— ответила она, — я была ничтожным прахом, Но -некоторое время побываю рядом с розой, _ Совершенство соседа повлияло на меня, А если бы не это, я (осталась бы) тем же прахом,чтоя была.

کلام سعدی طنین زیبایی، شیرینی، سهولت و سادگی زبان فارسی است. از نظر جامعیت، آثارش در تمام شئون زندگی وارد شده‌اند و مطالب آموزنده‌ای به خواننده ارائه کرده است. در کلیات سعدی بسیاری از مطالب اجتماعی دیده می‌شود، هم مطالبی که با شرع سازگار است و هم مطالبی که با دین سر ناسازگاری دارد. البته گلستان در تمام زوایای زندگی ایرانی وارد شده است و مسایل پنهانی و در خفا را نیز بازگو می‌کند. اینگونه عقاید تربیتی سعدی است که تولستوی (Толстой) را به ترجمه گلستان و استفاده از این شاهکار در ادبیات روس برمی‌انگیزد.

نتیجه

ادیبان ایران به خاطر شرافت اخلاقی، دقت و صحت فکری و تنفر از ریا و ریاکاری از حکیمان و اندیشمندان برجسته جهان به شمار می‌آیند.

در حقیقت، ساخت هنرمندانه کلام و زبان ادیبان و اندیشمندان ایران، تجربه‌های عالی حیات آنان را برای ما زنده می‌کند. بنابراین، تفکرات مشترک انسانی در افق زبانی آنان، شکل و شمای خاصی می‌یابد و آنجا که تبلور تعالیم دینی ایشان از ذهن بر زبان جاری می‌شود، در آمیخته با جان کلام می‌گردد.

در عصر روشنگرانه و فیلسوفانه، اندیشه‌های تربیتی مفاخر علم و ادب ایرانی در آثار ادیبان روس به خوبی به تصویر کشیده شده‌اند. آنان شاهکارهای ادبیات فارسی، به خصوص نوشته‌های حکیمانه سعدی را الگوی کار خود قرار داده‌اند و از این طریق با سبکی ادبی و تربیتی به توصیف دنیا، ضعف‌های انسانی، ناپسندی‌های اجتماعی می‌پردازند.

با بهره‌گیری از اندیشه‌های تربیتی ادیبان ایرانی می‌توان مبارزه پیگیرانه‌ای علیه تمامی مفاهیم شوم بشری داشت و با این شیوه ادبی راه و طرحی نو در انداخت و به همین دلیل است که ادیبان و خاورشناسان روس و دیگران به شیوه‌های آموزشی و تربیتی ابن سینا، ابن مسکویه، فارابی و سعدی روشنایی‌های عقلی را به زلال روح پیوند می‌زنند و با ترک دنیای نابرابری و نابرداری‌ها، زبانی نو و سبکی جدید برمی‌گزینند و به خلق آثار تربیتی و فلسفی می‌پردازند.

اندیشه‌های تربیتی و اخلاقی سعدی به دلیل ابراز حس عدالت‌جویی، شرافت اخلاقی، عطف و تقوت، تفکر بشردوستانه و فروتنی، مد نظر ادیبان و خاورشناسان روس قرار گرفته است و آنان نیز این مطلب را به عنوان شاخصی مهم از ویژگی‌های ادبیات غنی ایرانی در آثار

خود برمی‌شمارند.

در واقع بکارگیری آثار تربیتی ادیبان ایرانی نشانه‌ای از همبستگی فکری میان ادیبان ایرانی و خاورشناسان و ادیبان روس است. بدین ترتیب که افکار، اندیشه و سبک بزرگان و مفاخر علم و ادب ایرانی راه را برای بهره‌گیری مفید، ادیبان جوامع دیگر هموار می‌سازد. آنگونه که از برداشت‌های ادیبان روس منتج می‌گردد، یکی از بهترین روش‌های انتقال فرهنگی، آموزشی و تربیتی، کاربرد فنون ادب فارسی در ادبیات خودی است، زیرا مفاهیم دانش‌افزایی، اصول قیاسی و روش‌های برجسته‌شناختی از طریق سبک‌های ادبی به خواننده صریحاً القا می‌شود.

سخن نهایی اینکه از منظر خاورشناسان و ادیبان روس شناخت فرهنگ، آموزش و عقاید تربیتی ایران کهن بدون پژوهش و مطالعه در آثار ادیبان بزرگ ایرانی حاصل نمی‌گردد و کاربرد و مطرح کردن اینگونه آموزه‌ها نه تنها به رشد کمی و کیفی در این گستره ادبی می‌انجامد، بلکه نمایانگر شکوه تمدن و فرهنگ غنی ایرانیان است.

Bibliography

- Berginskova, I.S. (1980). *Izbrannie prazvidiniya Ibn-e Sina (Ibn-e Sina s Favorites)*. Moscow.
- Dodge, B. (1961). *A Millennium of Maslia Learning*. Washington, Middle East Institute.
- Eskandarov, B. S. (1973). "Progrissivnie sridniaziatski mesliliti a roli iskusstva v nrvstvinnom vaspitani chilavika" Progressive Central Asian Thinkers about the Role of Art in Moral Education of Man". *The Proceedings University of Tashkent*. 52-63.
- Farabi, A. (1985). *Istoriko-filosofskie traktati (The historical-philosophical Treatises)*. Alma-Ata. Moscow.
- Grigoriyan, S.N.(1961). A Progrissivnie filosofickaya misle v stranakh Blizhnava i Srednava Vastoka IX-XIV vv. "A progressive philosophical Idea in the Countries of Near and Average East During the IX-XIV Centuries." Moscow. 3-37.
- Griyata, kh.A.(1980). *Ibn-e Sina*. Selected philosophical Books in 10 vol. Dushanbe.
- kasmijanov, A.Kh.(1975). *Farabi*. Logicheskije traktati (Farabi. The Social – Ethical Treatises). Alma-Ata. Moscow.
- kholmogorov, I. (1971). *Saadi i yvo znachenie istori persidskoy litiraturi* (Saadi and His Importance of a Persian literature). Moscow.
- Medinski, E.N.(1988). *Vaspitanie kulturnikh navikov pavideniya i rechi ditey (Education of Cultural Skills of Behaviour and Speech of Children)*. Moscow.

- Muid Khan, N.A.(1944)."The Muslim Theories of Education during the Ages". *Islamic Culture*. -V.18, N4.418- 433.
- Pedersen, J. (1929)."Some Aspects for the History of the Madrassa . *Islamic Culture*-V.3, N4. 525-537.
- Rahimov, S.R. (1977). *Farabi a roli obrazovaniya i Vaspitaniya (Farabi about a Role of Formation and Education)*. Tashkent.
- . (1964). *Pedagogicheskie idie Ibn-e Sina (Ibn-e Sina s Pedagogical Ideas)*.Tashkent.
- Ripka, Y. (1970). *Istoriya persidskoy I Tadjikskoy litiraturi (A History of Persian and Tadjik Literature)*. Moscow.
- Saadi, M. (1368/11989). *Golestan (Garden)*.ed. Yosefi Gholamhossein. Tehran: Kharazmi Publications.
- . (1927). *Pedagogicheskie misli Vastoka(Pedagogical ideas of East)*. Experience of research. Kazan.
- Sali, Bliskova & Zadovskova.(1967). *Ibn-e Sina a sibiye(About Ibn-e Sina)*.Materials on a history progressive and social-philosophical Idea of Uzbekistan. Tashkent.
- Shalaby, Ahmad. (1954). *History of Muslim Education*. Beirut.
- Shidfar, B. (1962). *Istoriik filosof X- XI vv. Ibn-e Miskavaiykh i yvo epokha (The Philosopher of the X- XIth century Ibn-e Miskawaih and His Epoch)*. Moscow.
- Yassemy, R.(1335/1956). *Tarikhe Adabiyat-e Iran (The History of Iranian Literature)*. Tehran: Ibn-e Sina & Morvarid Publications.